

شهید مطهری سه یا چهار سال از آیت‌الله منتظری بزرگ‌تر بود و نقش برادر بزرگ‌تر را ایفا می‌کرد. این دو با تأسیس درس فقه و اصول برای امام خمینی مقدمات مرجعیت ایشان را فراهم کردند. آیت‌الله منتظری از دوره طلبگی نقل کرده است که شهید مطهری می‌گفت حوزه علمیه، آقای خمینی را نشناخته است، ایشان در آینده گل خواهد کرد

در محضر دو فقیه



از فرزند شهید مطهری خواستیم تا از خاطرات روزهای رفاقت، همراهی و مبارزات انقلابی پدرش با آیت‌الله حسینعلی منتظری برایمان بگوید. خاطراتی که روایت‌هایی است از روزهای نه‌چندان دور اما با رنگ‌وبوی تاریخی که ماندگار خواهند شد.

به گزارش اسپاداناخبر، او در این روایت‌ها از داستان هم‌حجره‌ای پدرش و منتظری گفت و روزهای طلبگی و بی‌پولی و دیداری که هرگز از یادش نمی‌رود. مطهری از داستان مبارزات انقلابی دو طلبه‌ای گفت که همچون دو برادر همراه و همدل بودند.

داستان شیخ خراسانی و شیخ اصفهانی

به نظر من مرحوم آیت‌الله منتظری یک اصولگرای اصلاح‌طلب به معنی واقعی کلمه بود. حفظ اصول را بر حفظ مقام و ریاست و حکومت مقدم می‌داشت و اصلاح مستمر حکومت را یک ضرورت می‌دانست. در دوران رژیم شاه ایشان هر وقت از زندان آزاد می‌شد ابتدا به منزل ما می‌آمد و گفت‌وگویی با پدرم داشت و از حال خود در زندان و احیاناً شکنجه‌ها می‌گفت. بسیار راحت و بی‌تکلف و صمیمی بود؛ مثلاً به من می‌گفت: «علی چطوری؟» به خواهر کوچکم می‌گفت: «تو عروس من هستی»، یا به برادر کوچکم می‌گفت: «انگلیسی بلدی، you are how?»; اصلاً تعینات برخی علما را نداشت. همان‌طور که می‌دانید ۱۱ سال با شهید مطهری هم‌حجره بودند و بسیار صمیمی، به‌طوری‌که گاهی طلاب، ایشان را شیخ خراسانی می‌نامیدند و شهید مطهری را شیخ اصفهانی، عکس آنچه که بود و به قول آقای منتظری در موقع نیاز گاهی دست در جیب یکدیگر می‌کردند.

دوران بی‌پولی و طلبگی

آیت‌الله منتظری از دوره طلبگی خود نقل می‌کند (به این مضمون) که یک روز غذا نداشتیم و پولی هم نداشتیم. آقای مطهری به من گفت برو بین می‌توانی پولی قرض بگیری و نانی بخری؟ رفتم، گشتم، دیدم یکی از دوستان طلبه، دور حوض مدرسه فیضیه می‌چرخد، در پاسخ تقاضای من گفت: «فقط دو ریال دارم آن هم برای استحمام»؛ یعنی اینها با این سختی‌ها درس خواندند.

داستان نماز شب و آب حوض

ایشان از نقل این خاطره هم ابایی نداشت که آقای مطهری به من تأکید داشت که نماز شب بخوانم و من تراخم چشمم را بهانه می‌کردم و اینکه آب حوض مدرسه برای چشمم مناسب نیست. یک شب در خواب دیدم که عثمان بن حنیف از اصحاب امیرالمؤمنین برگه‌ای به من نشان داد که روی آن با خط سبز نوشته بود: «هذه برائه من النار». در همین حال آقای مطهری مرا از خواب بیدار کرد و گفت: «بلند شو نماز شب بخوان، بهانه نگیر، آب از رودخانه آورده‌ام».

هشدارهای برادر بزرگ‌تر

شهید مطهری سه یا چهار سال از آیت منتظری بزرگتر بود و نقش برادر بزرگتر را ایفا می‌کرد. این دو با تأسیس درس فقه و اصول برای امام خمینی مقدمات مرجعیت ایشان را فراهم کردند. آیت منتظری از دوره طلبگی نقل کرده است که شهید مطهری می‌گفت حوزه علمیه، آقای خمینی را نشناخته است، ایشان در آینده گل خواهد کرد؛ البته شهید مطهری در همان قبل از انقلاب درباره خطر گروه هدفی‌ها به رهبری سیدمهدی هاشمی به آقای منتظری هشدار می‌داد و بعد از انقلاب هم آنها مشکلاتی ایجاد کردند.

توصیه ساواک به آیت منتظری

در آبان ۱۳۵۷ بنا بود آیت منتظری به دیدار امام(ره) در نوفل‌لوشاتو برود. شب به منزل ما آمدند و درباره مسائلی که بنا بود با امام مطرح شود با پدرم گفت‌وگو می‌کردند. در این میان تیمسار مقدم، رئیس ساواک، همراه با معاونش که صدای کلفتی داشت در منزل را به صدا درآوردند و اجازه ورود گرفتند. من از پشت در اتاق به سخنان آنها گوش می‌دادم. مقدم خطاب به آیت منتظری گفت شما که نزد آقای خمینی می‌روید به ایشان بگویید کارهای شما به نفع کمونیست‌ها تمام می‌شود و آنها حکومت را به دست خواهند گرفت. آیت منتظری حرف او را جدی نگرفت و گفت چرا شما دیروز در نجف‌آباد کشتار کردید.

اما شهید مطهری پاسخ مقدم را داد و گفت اتفاقاً امروز دولت از کمونیست‌ها حمایت می‌کند و در این چند ماه کتاب‌های کمونیستی برای مقابله با نهضت اسلامی به‌وفور چاپ و منتشر می‌شود. من اسم آن را مارکسیسم دولتی گذاشته‌ام. در این اثنا آقای هاشمی هم وارد منزل شد و به اتاق دیگری رفت. صبح زود من آیت منتظری و پدرم را به فرودگاه مهرآباد رساندم و پدرم برای ایشان کارت پرواز گرفت و ایشان را بدرقه کرد. با توجه به اینکه شهید مطهری بعد از پیروزی انقلاب قصد بازگشت به قم را داشت، اگر ایشان شهید نمی‌شد فکر می‌کنم این دو یک تحول اساسی در حوزه علمیه قم ایجاد می‌کردند و حوزه پیشرفت محسوسی در فقه و فلسفه و کلام و ... می‌کرد.

ملاقاتی در آخرین روزهای حصر

در روزهای آخر حصر آیت منتظری اجازه گرفتم و به ملاقات ایشان رفتم. من بودم و ایشان و شاید احمد. اولین جمله‌ای که ایشان گفت این بود: «علی دیدی چه شد؟!» گفتم اگر شهید مطهری بود این‌طور نمی‌شد. ایشان تأیید کرد. می‌گفت من بارها خواستم از قائم‌مقامی رهبری استعفا بدهم اما مانع می‌شدند. از اینکه عده‌ای وسایل حسینه‌اش را برده بودند ناراحت بود و از من می‌خواست که اقدام کنم. خیلی دلم برایش سوخت که ایشان با آن جایگاهش از من کمک می‌خواست.

پرونده‌ای به مناسبت سالگرد درگذشت آیت منتظری

در محضر دو فقیه عمادالدین باقی: برخلاف کسانی که تا وقتی در مقام شاگردی هستند احترام استاد را پاس دارند و حتی دست او را می‌بوسند و اگر آن استاد دارای جایگاهی باشد شاگردی‌اش را از افتخارات خویش می‌شمارند اما هنگامی که خود به منزلتی دست یافتند شاگردی دیگران را وهن خویش می‌پندارند، اما آیت منتظری به این سخن منسوب به امام علی(ع) بسیار پایبند بود که «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً». سخنی که انتسابش به امام علی درست باشد یا نادرست، مبالغه در تکریم استاد است؛ بنابراین آیت منتظری همیشه از امام خمینی(ره) به عنوان استاد خویش یاد کرده و احترامش را پاس می‌داشت و تا واپسین روز حیات نیز چنین بود.

آیت بروجردی یا امام خمینی

منتظری در اصفهان سطوح را تمام کرده و تا پیش از آمدن آیت بروجردی به قم در سال ۱۳۲۳ شمسی، در درس آیت داماد، حاج آقا رضا بهاء‌الدینی و آیت حاج سیداحمد خوانساری شرکت می‌کرد. خود او می‌گوید: «قبل از اینکه آیت آقای بروجردی به قم بیایند با مرحوم آقای مطهری در درس آیت حجت، آیت صدر و آیت شاهرودی شرکت می‌کردیم». «ما حدود ده ماه در درس آقای حجت شرکت کردیم، بعد وقتی که مرحوم آقای بروجردی به قم آمد رفتیم درس آقای بروجردی».

همچنین مدتی هم در درس آیت یثربی کاشانی شرکت کردند که خود ایشان می‌گوید: مرحوم امام و آیت داماد از شاگردان خوب ایشان بوده‌اند. وقتی آیت بروجردی به قم می‌آید آیت منتظری در درس او نیز شرکت می‌کند.

نحوه آشنایی وی با آیت بروجردی و چگونگی دعوت وی به قم نیز خود حکایت جالبی دارد. آیت منتظری می‌گوید: وقتی آقای بروجردی به قم آمد «قبل از درس ایشان میرفتیم درس اسفار آیت خمینی، بعد از درس با خود آقای خمینی می‌آمدیم درس آقای بروجردی».

پیش از آمدن آیت بروجردی به قم و پس از آن، در نیمه نخست دهه ۳۰ در درس‌های اخلاق امام خمینی شرکت می‌کنند و قسمتی از منظومه را نیز (بعد از سال ۱۳۲۵) نزد وی می‌خوانند. چنانکه آیت منتظری می‌گوید درس‌های اخلاق ایشان شلوع می‌شد چون عمومی بود و بازاری‌ها و منبری‌ها هم شرکت می‌کردند اما شاگردهای درس منظومه وی ۱۰ تا ۲۰ نفر می‌شدند.

آیت خمینی یک درس اسفار هم می‌گفتند که هفت، هشت نفر از بزرگان از جمله حاج شیخ عبدالجواد (جبل عاملی خمینی شهری) و حاج آقا رضا صدر و حاج آقا عزالدین زنجانی و چند نفر دیگر در آن شرکت می‌کردند، من و مرحوم مطهری به آقای خمینی گفتیم ما هم بیاییم در آن درس شرکت کنیم چون معمولاً میبایست از ایشان اجازه گرفت، به بعضی افراد می‌گفتند نه صلاحتان نیست، آن وقت ما اجازه گرفتیم مبحث نفس اسفار و معاد جسمانی را شرکت کردیم البته تقریباً ۱۰، ۲۰ صفحه شفای بوعلی سینا را هم با مرحوم مطهری نزد مرحوم علامه طباطبایی خواندیم.

آیت منتظری گزارشی هم از جلسه مباحثه او و مطهری با علامه طباطبایی درباره اصول فلسفه و روش رئالیسم ارائه می‌دهد که بعدها کتابی به همین نام از سوی استاد مطهری با بهره‌مندی از این مباحثات منتشر شده است.

وقتی آیت‌الله بروجردی، علامه طباطبایی را از تدریس فلسفه منع می‌کند و به آیت‌الله منتظری پیام می‌فرستد که درس فلسفه را تعطیل کند، منتظری به دلیل نفوذی که نزد آیت‌الله بروجردی داشته، نزد وی می‌رود، با او بحث کرده و ایشان را متقاعد به ادامه درس‌های فلسفه به شیوه تازه‌ای می‌کند. نفوذ او نزد بروجردی چنان بود که وقتی آیت‌الله خمینی که از برجستگان حوزه بود و در درس آیت‌الله بروجردی هم شرکت می‌کرد و جزء کسانی بود که خواستار حضور وی در قم شده بودند با ایشان در موضوعاتی مانند اصلاح امور حوزه به اختلاف نظر می‌رسند، آیت‌الله منتظری نزد آیت‌الله بروجردی رفته و در طرفداری از آیت‌الله خمینی با وی مجامه می‌کند.

به قول آیت‌الله امینی، مرحوم مطهری و منتظری، مؤسس درس خارج امام خمینی می‌شوند و بزرگ‌ترین نقش را در مطرح کردن درس فقه و اصول او داشتند. ابتدا ۱۰، ۱۱ نفر شرکت می‌کردند (امینی: ۸۶) ولی بعداً که تعداد افراد زیاد شدند منتظری و مطهری دیگر خودشان شرکت نکردند (همان، ۸۸). حضور این دو، عامل مهمی در جلب و جذب دیگران به کلاس‌های درس آیت‌الله خمینی می‌شود. آیت‌الله ابراهیم امینی که خود یکی از اینان بوده و می‌گوید به تشویق و راهنمایی آیت‌الله منتظری در این درس شرکت جسته است (امینی: ۸۶ و ۸۷). آقای مطهری می‌گفت باید دشواری‌ها را تحمل کنیم و برای رضای خدا از آقای خمینی حمایت و ترویج کنیم. من برای ایشان آینده درخشانی را پیش‌بینی می‌کنم (امینی: ۸۷).

از طرفی منتظری تقریرات درس خارج بروجردی را چاپ کرده که آذری قمی می‌گوید آقای بروجردی اجازه نمی‌داد دیگران تقریراتش را چاپ کنند (ایزدی، فقیه عالیقدر، ج ۲: ۳۲۲) ولی سر درس خود به تقریرات منتظری ارجاع هم می‌دهد.

آیت‌الله منتظری ماجرای مخالفت آیت‌الله بروجردی با چاپ کتاب‌هایش از ترس حوزه نجف را (با وجود اینکه خود بروجردی تمایل داشت شاگردانش تقریرات بنویسند) بیان می‌کند و اینکه چگونه با او بحث کرده و متقاعدش کرده که باید این کتاب‌ها چاپ شوند و وقتی موفق می‌شود، چندی بعد آقای فاضل لنکرانی (که شرح لمعه را نزد آیت‌الله منتظری خوانده بود) وی را دیده و گفت شما خوب راه را برای ما باز کردی، ما می‌خواستیم «صلوات» را چاپ کنیم ولی ایشان قبول نمی‌کرد. بیشترین تقریرات اصول و فقه از سوی آیت‌الله منتظری که بعضاً منتشر شده‌اند مربوط به درس‌های آیت‌الله بروجردی است.

کتاب‌های فقهی «اجاره»، «غصب»، «وصیت»، «صلوات» و «مبحث نماز جمعه» و «نماز مسافر» که تحت عنوان «البدرالزاهر فی صلات الجعه و المسافر» منتشر شد، «خمس» و از درس‌های «اصول» ایشان تقریراتی که تحت عنوان «نهایه‌الاصول» چاپ شده و خودآیت‌الله بروجردی هم خیلی اصرار داشتند که چاپ بشود ولی چاپ کتاب، بانی می‌خواست، «تا اینکه آقای حاج آقا مهدی حائری تهرانی که سرمایه مختصری داشتند و با علامه طباطبایی در چاپ کتاب همکاری می‌کردند و گفتند ما یک مقدار از هزینه آن را تأمین می‌کنیم، من هم نیم‌دانگ خانه در نجف‌آباد داشتم فروخته بودم پولش دستم بود، بالاخره بنا شد در هزار نسخه «نهایه‌الاصول» را چاپ کنیم، مقداری از سرمایه‌اش مال من بود مقداری از علامه طباطبایی مقداری هم از آقای حائری، کتاب را برای چاپ دادیم و جزوه به جزوه که چاپ میشد می‌آوردیم ایشان می‌خواندند، خوشحال بودند که اولین کتابشان چاپ میشود». شاگردی آیت‌الله بروجردی به مرحله همکاری تحقیقاتی هم می‌رسد به‌گونه‌ای که در نوشتن رجال هم به ایشان کمک میکرد.

رفته‌رفته روابط آقای منتظری و بروجردی بسیار نزدیک می‌شود به طوری که از طرف آیت‌الله بروجردی جزء ممتحنین درس خارج می‌شود. آقای بروجردی برای حوزه درس خارج پنج نفر را مشخص کرده بودند. به‌گونه‌ای که حتی در امور سیاسی با وی مشورت می‌کرد: «مردم نجف‌آباد به ما فشار آوردند که خود شما یا مرحوم مطهری این کار را قبول کنید، میگفتند بالاخره یک روحانی هم به مجلس برود.

من برای اینکه مسئله‌ای در ذهن آیت‌الله بروجردی ایجاد نشود خدمت ایشان رسیدم و همه مسائل را به ایشان گفتم، آیت‌الله بروجردی فرمود: نه شما حیف است در این مسائل وارد شوید آقای مطهری هم حیف است. منتظری تنها شخصیتی است که آیت‌الله بروجردی چند بار در درس‌های خود از او و علمش تجلیل کرده یا او را امید آینده حوزه خوانده است. پس از درگذشت آیت‌الله بروجردی (۱۰ فروردین ۱۳۶۰) تشییع مرجعیت پیش می‌آید و شاه هم با تلگراف تسلیت درگذشت وی به آیت‌الله حکیم در نجف، در صدد انتقال مرکزیت حوزه به نجف و نیز در تلاش برای سلطه بر حوزه قم بود.

در قم «با وجود اینکه عده‌ای از خواص فضلا و طلبه‌ها به آیت‌الله خمینی نظر داشتند اما جو موجود در حوزه با آیت‌الله گلبایگانی و آیت‌الله شریعتمداری بود و جمعی از مردم قم نیز به آیت‌الله مرعشی نظر داشتند، ولی آیت‌الله حکیم و آیت‌الله خویی و آیت‌الله شاهرودی هم کم‌وبیش در جامعه مطرح بودند، مرحوم آسیدعبدالهادی زیاد مطرح بود؛ و آیت‌الله منتظری بنا به دلایلی که داشت در پی مرجعیت آیت‌الله خمینی برآمد: «پس از فوت آیت‌الله بروجردی از روزنامه‌ها آمده بودند با طلبه‌ها راجع به مراجع مصاحبه میکردند.

ما آیت‌الله خمینی را هم مطرح کردیم و روزنامه‌ها نام ایشان را هم جزء مراجع نوشتند. رساله ایشان هم با اصرار و پیگیری ما به چاپ رسید. اقدام مهم وی زمانی انجام می‌شود که حکومت شاه قصد داشت حکم اعدام برای آیت‌الله خمینی صادر کند و چون مراجع از مجازات اعدام معاف بودند آیت‌الله منتظری با همکاری عده‌ای توانست نامه‌ای برای تأیید مرجعیت وی از مراجع تهیه کند. جز نقش منتظری در تثبیت مرجعیت امام خمینی (نک: باقی، بررسی انقلاب ایران: ۱۸۲-۱۸۰) که حاج‌احمد خمینی هم به آن تصریح کرده است (رنجامه: صفحه نخست).

با توجه به آنچه گذشت، آیت‌الله منتظری نزد استادان بزرگی تحصیل کرده بود و برخی استادان وی و آیت‌الله خمینی مشترک بودند. روش و سبک فقهی آیت‌الله منتظری شباهت زیادی به آیت‌الله بروجردی دارد.

منش او نیز بیشتر شبیه بروجردی بود به‌ویژه در التزام به اصل مهم احتیاط که جایگاه رفیعی در فقه دارد، نیز توجه به فقه اهل سنت و هم‌گرایی با اهل تسنن.

منتظری در مقطعی از عمر خود به رادیکالیسم انقلابی کشیده شد؛ اما چون ریشه این گرایش، عدالت‌خواهی و مبارزه با ظلم و مشرب او مشرب فقهی و حقوقی بود، او دوباره به منش مشابه بروجردی بازگشت.

در مطالعه شخصیت و افکار امام خمینی و آیت‌الله منتظری یک تفاوت باریک، اما بسیار مهم نادیده انگاشته شده است و آن اینکه مشرب کلی امام خمینی، «عارفانه» بود و مشرب کلی منتظری، «فقیهانه» یا حقوقی.

اگر در این مجال کوتاه بیان تفاوت‌های این دو رویکرد و آثار فکری آن میسر بود، دستیابی به یکی از ریشه‌های معرفتی تفاوت دیدگاه و عملکرد این دو شخصیت برجسته جهان تشیع سهل‌تر بود. در واقع هرچا آیت‌الله خمینی براساس نگرش فقهی، موضعی اتخاذ کرده، محصولش آثاری مانند بیانیه ۸ ماده‌ای و نظایر آن است. اما آنچه درباره آیت‌الله منتظری می‌توان گفت، این است که وجود دو رویکرد «انقلابی» و «فقهی» در دهه نخست انقلاب، منظومه‌ای دوگانه از اندیشه‌های وی ساخته است؛ به‌گونه‌ای که در کتاب *دراسات* (یا: مبانی فقهی حکومت اسلامی) این دو به موازات هم پیش می‌رفت. در یک سو نظریه‌هایی که با معیارهای دموکراتیک همخوانی بایسته ندارند و در سوی دیگر علاوه بر موضع‌گیری‌های عملی شهروندمدارانه و حقوق‌محور. در عرصه اندیشه نیز حتی در زمانی که حقوق‌بشر فراموش‌شده‌ترین موضوع در ادبیات سیاسی و مطبوعاتی بود، او یک سند جهانی حقوق‌بشری درباره حقوق زندانیان را به‌طور کامل در یک متن فقهی نقل کرده و تأیید می‌کند.

فقیه مؤسس

آیت‌الله منتظری نوآوری‌های فقهی چندی داشت که در این یادداشت کوتاه نمی‌توان به نحو مستوفی از آن سخن گفت. برخی نوآوری‌های وی عبارت‌اند از:

سلسله مباحث ولایت فقیه

- اهتمام به فقه تطبیقی

- حرام‌بودن سبّ خلفا و علمای اهل سنت. (دو مورد اخیر مبنای تأسیس هفته وحدت شیعه و سنی از سوی آیت‌الله منتظری شد که اکنون در آن به‌سر می‌بریم و اگر پشتوانه‌ها و الزامات هفته وحدت هم پذیرفته شده بود، امروز منطقه شاهد این خشونت‌ها نبود)

- احتکار و منحصرنکردن آن به غلات اربعه

- عدم استقلال افساد از محاربه پس از عدول از نظریه استقلال عناوین افساد و محاربه

- فتوای جدید و استدلالی درباره دست‌دادن با نامحرم و مصافحه با اجنبیه

- ضرورت احصای تاریخ به عنوان منبع فقه و فتوا

- برابری دین مسلمان و غیرمسلم و زن و مرد از طریق تأمین مابالتفاوت دین از سوی بیت‌المال

- ضرورت توجه خاص به اینکه احکام فرعی فقهی نباید موجب وهن دین شود و اگر چنین باشد، انجام آن جایز نیست؛ مانند فتوا به لزوم ترک قمه‌زدن.

- تفکیک حقوق از اعتقادات که ثمره آن قائل‌شدن به حقوق شهروندی فرقی مختلف بود.

- وجوب تحزب

- تبدیل مجازات شلاق به جریمه مالی (که امام خمینی در این مورد خواستار عمل به فتوای ایشان شد).

هرکدام از این موضوعات در جای خود درخور بررسی تفصیلی و توضیح و تحلیل است؛ اما آنچه از همه مهم‌تر به نظر می‌آید، این است که او نخستین فقیهی است که حقوق‌بشر را وارد فقه کرد. تفصیل این موضوع ابتدا در سال ۱۳۸۲ در روزنامه «شرق»، سپس در کتاب «فلسفه سیاسی- اجتماعی آیت‌الله منتظری» تبیین شده که در این مقال محدود بازگوکردن آن میسر نیست و ناگزیر از ارجاع‌دادن است.

درعین‌حال حقوق‌بشر، یک پدیده غربی نیست؛ بلکه یک دستاورد بشری است و درختی است که در فرهنگ شرق و غرب ریشه دارد. منتظری از حقوق‌بشر نه هراس عملی داشت، نه هراس نظری، به‌همین دلیل به آن التفات داشت. با یادآوری این نکته که قائل‌شدن به نظریه منتظری متقدم و متأخر به‌مثابه دو منتظری متعارض، نارواست، می‌توان گفت گرچه شخصیت‌هایی مانند استاد مطہری از نخستین فقہایی پُوده‌اند که در دهه‌های ۳۰ و ۴۰ به مباحث حقوق‌بشر توجه ویژه داشتند؛ اما آیت‌الله منتظری نخستین فقیهی بود که در دوره متأخر زندگی خویش مبحث حقوق‌بشر را وارد فقه کرد.

او در میانه دهه ۶۰ با استناد به اسناد بین‌المللی حقوق‌بشر درباره حقوق زندانیان به نحو محدود این کار را انجام داد و در واپسین درس خارج خویش در سال ۱۳۸۲ به نحو گسترده‌ای به مقوله حقوق ذاتی انسان و کرامت انسان «بماهو انسان» پرداخت (نک: فلسفه سیاسی اجتماعی... و پیش و پس از آن در استفتانات، مصاحبه‌ها و بیانیه‌های مختلف به بهانه‌های گوناگون متذکر آن شد (نک: دیدگاه‌ها، جلد‌های ۱، ۲ و ۳).

این راه ناتمام ماند. آیت‌الله منتظری در کتاب انتقاد از خود می‌گوید: «در بُعد علمی یکی از مهم‌ترین اشتباهات ما این بود که حقوق انسان به‌ماهو انسان را در تحقیقات فقهی خود مورد عنایت قرار ندادیم و از سنت سلف صالح خود پیروی کردیم و برخی از بحث‌ها درباره کرامت و حقوق ذاتی بشر را سوغات غرب دانستیم؛ درحالی‌که بسیاری از این مسائل مأخوذ از شرع و بلکه مورد تأکید آیات و روایات است و برخی دیگر لازم است مورد تحقیق و بررسی دقیق قرار گیرد و من در آخرین درس‌های خارج خود به‌طور گذرا به این مهم اشاره کردم (انتقاد از خود: ۱۶۵-۱۶۶). او امیدوار است که شاگردانش این راه ناتمام تحقیق وی را ادامه دهند.

آیت منتظری موضوع حقوق ذاتی بشر و فراتر از آن کرامت ذاتی را به موضوع و مبنایی برای اجتهاد بدل کرد.

آیت منتظری در واپسین درس‌های خارج فقهی خود گفته‌اند: «این مسئله را در فقه جایی مطرح نکرده‌اند ولی بین روشنفکران خیلی مطرح است که آیا اسلام برای انسان با قطع نظر از اینکه هر دینی داشته باشد ارزشی قائل است؟

نوعاً فقها می‌گویند نه و اگر کافر ذمی باشد مال و خون او محترم است، ولی اگر کافر حربی باشد حرمت ندارد. سپس کافر حربی را چنان معنی می‌کنند که کسی اهل ذمه نمی‌ماند ولو اینکه جنگی وجود نداشته باشد. ما مطلب را مطرح کردیم و تتبع آن را به فضلا وامی‌گذاریم».

در پایان می‌گویند: «من تقاضا دارم که چون فرصت تتبع پیدا نکردم این سؤال که انسان کرامت ذاتی دارد یا نه را تتبع کنند.

اینکه انسان گل سرسید خلقت است، البته مؤمن به جای خود احترام دارد اما احترام انسان هم جای خود». (باقی، فلسفه سیاسی...: ۱۶۵ و ۱۷۴).

بیت ایشان و شاگردان زبده وی که برخی از آنان، اکنون در مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم حضور دارند و از فقهای صاحب اثر و کرسی تدریس‌اند، به ادامه این راه اهتمام دارند و برخی مانند مرحوم احمد قابل که به تازگی سالگشت رحلت وی را سپری کردیم، از این جهان خاکی رخت بر بسته‌اند اما پاره‌ای از محدودیت‌ها اجازه نداده است شاگردان وی این راه سترگ را به نحو شایسته و بایسته بپیمایند.

همایش کرامت انسان که سال گذشته (۱۳۹۴) در ششمین سالگشت کوچ او در قم برگزار شد و به زودی در مدرسه اجتهاد (۲) پروندادش در معرض بهره‌برداری همگانی قرار می‌گیرد، از نادر تلاش‌های انجام‌شده است. اگر فقه حقوق بشر توسعه یابد، آبخور معرفتی و مذهبی داعش و داعشی‌گری تنگ می‌شود.

اما با وجود همه نقدهایی که به فقه وارد می‌کنند، نه تنها آیت منتظری که آیت خمینی هم کم‌وبیش قبول داشت و می‌گفت اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نیست و نیاز به عنصر زمان و مکان در اجتهاد را مطرح کرد، بلکه بسیاری از فقهای کنونی هم این نقدها را قبول دارند اما این نکته مهمی است که مبنای همین مواضع آیت منتظری که امروزه ستوده می‌شود، «فقه» او بوده است. فقهی که اصل احتیاط در آن حاکم است و فقهی که برای دادرسی، ضوابط و تشریفات دارد که اگر یکی از آنها رعایت نشود، دادرسی را باطل و غیرشرعی می‌داند.

گرچه صرف دیدگاه فقهی کافی نیست و شجاعت و درایت نیز می‌خواهد. به جز فقهی مانند آیت احمدی‌شاهرودی که نظر قضائی و فقهی خویش را مکتوب کرده بود، فقهای دیگری هم بودند که رأی دیگری داشتند اما سکوت کردند.

مرحوم آیت مرعشی از فقهای برجسته که در مقطعی معاونت قوه قضائیه را نیز برعهده داشت، دیدگاه انتقادی خود را صریحاً با نگارنده در میان گذاشته بود. به همین دلیل گمان می‌کنم با وجود اهمیت ابعاد انسانی مسئله، اما تقلیل‌دادن آن به یک موضوع صرفاً سیاسی و این نوع مباحثات، فرصت یک بحث عمیق‌تر برای پیشگیری را سلب می‌کند.

منابع:

امینی، ابراهیم (آیت‌الله)، خاطرات آیت‌الله ابراهیم امینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲

ایزدی، مصطفی، فقیه عالیقدر، ج ۲، تهران انتشارات سروش، چاپ اول ۱۳۶۶

باقی، عمادالدین، فلسفه سیاسی اجتماعی آیت‌الله منتظری، تهران، سرایی، ۱۳۹۴

باقی، عمادالدین، بررسی انقلاب ایران، تهران، سرایی، ۱۳۸۳

خمینی، احمد، رنجنامه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ‌های مکرر

روزنامه شرق